



نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۶۰

۲۰۸۹

۸۷/۱۱/۰۵

گزارش مراسم های چهاردهمین سالگرد درگذشت زنده یاد مهندس بازرگان در تهران و قم

۳ و ۴/۱۱/۸۷

در جمع اعضا و علاقه مندان نهضت آزادی ایران عنوان شد

انتقاد آیت الله منتظری از تخریب قبور مردگان

در چهاردهمین سالگرد درگذشت مهندس مهدی بازرگان از اولین چهره های روشنفکری دینی، بر اساس معمول سال های گذشته جمعی از همفکران، علاقه مندان و اعضای «نهضت آزادی ایران» روز جمعه چهارم بهمن ماه ۱۳۸۷ به قم رفتند تا با حضور بر سر مزار او، با اهداف این نواندیش مذهبی تجدید پیمان کنند.

مراسم چهاردهمین سالگرد مهندس مهدی بازرگان که قرار بود روز پنجشنبه سوم بهمن ماه ۱۳۸۷ در حسینیه ارشاد برگزار شود، با ممانعت مقام های مسئول امنیتی دولت نهم مواجه شد.

جلوگیری از مراسم بزرگداشت مهندس بازرگان با اظهار تأسف و شگفتی ستاد برگزاری مراسم همراه شد، چرا که به اعتقاد آنان، «دولتی که خود را وارث انقلاب می داند، در برگزاری مراسم یادبود یکی از شخصیت های اصلی و تأثیرگذار انقلاب نه تنها اقدامی نمی کند، بلکه هنگامی که خانواده و یاران و همفکران او با حداقل امکانات برای چنین مراسمی اقدام می کنند، مخالفت می نماید و حتی برگزاری مجلس یادبودی را هم بر نمی تابد.»

ممانعتی که انتقاد آیت الله منتظری را نیز به همراه داشت. آیت الله منتظری در جمع یاران و همفکران مهندس بازرگان که برای دیدار با وی به منزلش در قم رفته بودند، گفت که متأسفانه متصدیان امورما فراموش کرده اند که یکی از شعارهایی که هم رهبر انقلاب، هم ماها و هم همه مردم می دادند، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بود.

آیت الله منتظری با انتقاد از تخریب قبور مردگان، چنین ادامه داد: «ظاهراً در رژیم سابق با مرده ها دیگر کاری نداشتند، اما حالا متأسفانه با قبر مرده ها هم کار دارند. تمام آنهایی که مثلاً فرض بگیریم که مزاحم قبورشان شده اند، آنها همه کافر بوده اند، خیلی هاشان بچه مسلمان بودند و قبر مسلمان محترم است، حتی کفار هم اگر اهانت بخواهد بشود، جائز نیست، «ولقد کرما بنی آدم»، مخصوصاً آنها بعضی هایشان آدم هایی بودند که یک سال زندان داشتند، حالا یک جهاتی و یک مقدماتی درست کردند و بعد اعدام. اما بالاخره آنها با دین اسلام از دنیا رفتند، با اعتقاد به اسلام از دنیا رفتند. من یادم هست، اسلامی نامی بود که دادستان شیراز بود، یک پرونده دختری را آورد که اعدام اش کرده بودند، به پدر و مادرش نوشته بود، ناراحت نباشید، از قرآن و نهج البلاغه دست بردارید. حالا با قبرهای اینها ما برخورد کنیم؟»

پیش از این در برخی سایت های خبری، از تخریب گورستان خاوران، خبر داده بودند. گفته می شود گورستان خاوران محل دفن تعداد زیادی از مخالفان نظام جمهوری اسلامی است که در زندان های جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۷ اعدام شدند.

بنابراین آیت الله منتظری به مسئولان و متصدیان امور توصیه کرد تا در سالگرد انقلاب انعطاف بیشتری با مردم داشته باشند و سپس ادامه داد: «مجلس ختم برای مهندس بازرگان می خواهند بگیرند، می گویند نه، برای غزه می خواهند جلسه بگیرند، می گویند نه. چه کسی این فرمان ها را می دهد؟ بالاخره کشور مال مردم است، تصمیم گیرنده مردم هستند. مردم تشخیص شان درست است. مردم عقل دارند، درایت دارند، شعور دارند، دنیای امروز به هم متصل است، مردم انتخابات کشورهای دیگر را دیده اند، دیده اند احزاب سیاسی واقعاً آزادند، تبلیغ می کنند، انتخاب می کنند، ولی متأسفانه حالت فراموشی پیدا کردیم. شعارهای اول انقلاب از جمله آزادی بود، یعنی مردم آزادند. بخواهند جلسه تشکیل دهند، بخواهند مرده شان را اینجا خاک کنند. آخر این چه جور برخوردهایی است؟ بالاخره من متصدیان را نصیحت می کنم که حالا به اسم سالگرد انقلاب یک انعطاف پیدا کنید و با مردم آشتی کنید و مردم را آزاد بگذارید، سخت گیری نکنید.»

آیت الله منتظری با اشاره به آخرین وصیت امام علی در نهج البلاغه و با بیان اصل امر به معروف و نهی از منکر، این اصل را در همه حوزه های سیاسی، اجتماعی و حاکمیتی عنوان کرد و نتیجه گرفت که، «نمی توان ساکت و بی تفاوت بود.»

اما پیش از آنکه این جمع به دیدار آیت الله منتظری بروند، بر سر مزار مهندس بازرگان به سخنان دکتر ابراهیم یزدی و دکتر علی میرموسوی گوش فرا دادند.

کجا دارید می روید

دکتر ابراهیم یزدی با اشاره به اینکه چهاردهمین سالگرد درگذشت مهندس بازرگان با سی امین سالگرد انقلاب اسلامی ایران همراه شده است، ارزیابی خودش را از حادثه تاریخی انقلاب در دو محور بیان کرد.

وزیر خارجه دولت موقت ابتدا تأکید کرد که باید پدیده انقلاب را مستقل از عملکرد جمهوری اسلامی ایران در بعد از پیروزی انقلاب بررسی کرد. یزدی گفت که این اشتباه بزرگ را برخی انجام می دهند و عملکرد یا کارنامه حکمرانان بعد از انقلاب را مستمسکی قرار می دهند تا اصل انقلاب را مورد سؤال قرار بدهند که این روش، روش علمی درستی نیست.

به این ترتیب او انقلاب اسلامی ایران را یک پدیده بزرگ تاریخی عنوان کرد و در ادامه به این پرسش پاسخ داد که آیا انقلاب ایران اجتناب ناپذیر بوده است یا نه؟ یزدی گفت که انقلاب ایران دلایل و موجبات درونی و بیرونی داشت چرا که نظام کودتایی در طول ۲۵ سال پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، کارنامه قابل قبولی نداشته است. بنابراین او در ادامه خطاب به هواداران نظام پادشاهی پهلوی گفت که باید به این پاسخ دهند، پادشاهی که خود خطاب به مردم گفت که من پیام انقلاب شما را شنیدم، پس چرا شما که هوادار او هستید پیام انقلاب را نمی گیرید؟

مشاور رهبر فقید انقلاب در ادامه با تأکید بر این مطلب که «اگر کسانی بخواهند همان کارهای شاه را با نام دیگری انجام دهند، بر آنها همان رود که بر آنان رفت»، به پیامدهای انقلاب اشاره کرد. نقش زنان یکی از این پیامدها عنوان شد. به اعتقاد یزدی «زنان تا پیش از این در هیچ یک از ادوار مختلف به این شدت در مبارزات سیاسی حضور نداشتند، فرآیندی که سنت گرایان و عناصر کوته فکر نمی توانند جلوی آن را بگیرند.»

آفت های انقلاب برای خود انقلاب موضوع دیگری بود که یزدی به آن پرداخت: «در تمام انقلاب های دنیا، در طول انقلاب یک نهاد واحد انقلاب را رهبری کردند اما در انقلاب ایران یک سازمان واحد انقلاب را رهبری نکرد. واحدهای کوچکی بودند که رهبر فقید انقلاب نقش هدایت کننده این واحدهای کوچک را داشت. که این پراکندگی سازمانی به رغم قدرت سازمان امنیت شاه، یکی از دلایل پیروزی انقلاب شد. اما همین ویژگی انقلاب اسلامی که منحصر به فرد بوده است، منشاء بسیاری از مشکلات بعد از انقلاب شد.»

دبیر کل نهضت آزادی ایران در ادامه گفت: «در انقلاب هایی که یک نهاد سیاسی واحد، انقلاب را رهبری می کند در طول سالیان دراز کادرهای مختلف درون انقلاب در این مبارزه طولانی در درون سازمان های سیاسی ساخته می شوند، افکار و اندیشه ها با هم شکل می گیرند.»

یزدی انقلاب های دنیا را در دو مرحله سلبی و ایجابی مورد ارزیابی قرار داد و گفت که ما با سرنگون کردن استبداد سلطنتی مرحله سلبی را پشت سر گذاشتیم اما به مرحله ایجابی وارد نشدیم.

او این نقطه را نقطه افتراق مرحوم مهندس بازرگان با بقیه عنوان کرد و در ادامه به سیاست «گام به گام» مهندس بازرگان برای سازندگی اشاره کرد و گفت که به اعتقاد آن مرحوم، ساختن یک جامعه زمان گیر است.

او گفت که نظام استبدادی چند زیر مجموعه داشته است که یکی از آنها ساختار سیاسی بوده است که به سرعت درهم کوبیده شد اما تغییر در مناسبات اقتصادی کار ساده ای نبود از آن مشکل تر تغییر در مناسبات فرهنگی است. نظام استبدادی برای خودش فرهنگ استبدادی بازسازی و باز تولید می کند. در نظام استبدادی شما رعیت هستید، شما شهروند نیستید. مدیریت استبداد این است.

یزدی نقطه افتراق دوم مهندس بازرگان با بقیه را در این دانست که آنان حاضر نبودند با برنامه کار انجام دهند. و نقطه سوم افتراق نیز چنین بیان شد: «رهبری که می خواهد مردم را عوض کند، نباید دنبال روی مردم باشد، یک جاهایی باید جلوی مردم بایستد و بگوید که مردم شما دارید اشتباه می کنید.

یزدی سپس به بررسی کارنامه انقلاب پرداخت. او با اشاره به ممانعت هایی که در طول ماه های گذشته در برابر برگزاری مراسم هایی چون مراسم بزرگداشت مهندس بازرگان، نشست های حزبی، برگزاری نمازهای عید فطر و قربان، حمایت از مردم غزه و مراسم تقدیر از فعالان حقوق بشر صورت می گیرد، گفت که من از مسئولان سؤال می کنم کجا دارید می روید؟ آیا فکر عاقبت خودتان هم نیستید؟ از این جمهوری اسلامی چه مانده است؟

او سپس گفت: «جمهوری اسلامی با قانون اش تعریف شده است، قانون اش به من می گوید، شما حق ندارید تحت هیچ شرایطی تفتیش عقاید کنید، اصول مقرر در قانون اساسی رعایت نمی شود، اگر کسی را بگیرند بر اساس قانون اساسی باید تفهیم اتهام شود، حق داشتن وکیل دارد، بلافاصله باید پرونده به دادگاه ذی ربط ارسال شود، هیچکدام از اینها صورت نمی گیرد.»

او در ادامه با اشاره به ناهماهنگی هایی که در میان حاکمان وجود دارد، گفت که این چه وضعی است، رییس مجلس به مصر می رود تا روابط با حسنی مبارک را بهبود بخشد، اما یک گروه دیگر برای سرش جایزه تعیین می کند؟ وزیر خارجه دولت موقت ادامه داد: «یک زمانی شما می خواستید دولت موقت را ساقط کنید، رفتید سفارت امریکا را گرفتید، حالا که همه چیز دست خود شماست چرا می روید به باغ سفارت انگلیس، پرچم انگلیس را پائین می آورید و به جای آن پرچم فلسطین را بالا می برید؟ با این کار چه پیامی دارید به دنیا می دهید؟»

دبیر کل نهضت آزادی ایران در پایان با این اعقاد که با سیاست می شود بازی کرد اما با اقتصاد نمی توان بازی کرد، گفت: «در کجای دنیا اگر معلمی برای ازدیاد حقوق می خواهد مذاکره کند، او را به زندان می برند؟ هکذا کارگران را، وقتی آنان می آیند در مقابل مجلس اعتراض می کند که حقوقشان را نگرفته اند چرا آنان را به زندان می برید؟ شما اگر می خواهید باشید، باشید ولی درست عمل کنید.»

بنابراین یزدی با اشاره به اینکه رعایت عقد و قرار داد و رعایت آن ضرورت دارد، مسئولان را به بازنگری در رفتارها، بازگشت به آرمان های اولیه انقلاب و برگشت به آن مفادی که ملت با مسئولان بسته است، دعوت کرد. به این ترتیب نوبت به سید علی میر موسوی استاد داشگاه رسید تا او نیز دیدگاه های خویش را در خصوص مهندس بلزرگان ارائه دهد.

میر موسوی: بازرگان نماینده جریان «تجددخواه مذهبی» بود

سید علی میر موسوی برای ورود به بحث خود ابتدا چند پرسش را مطرح کرد: «بازرگان چه گفت، با که گفت و از کجا بود؟ چه جریانی را نمایندگی و چه افکاری را مطرح می کرد و با چه موانعی مواجه شد؟»

او سپس گفت: «مرحوم بازرگان نماینده جریان «تجددخواهی مذهبی» بود. البته زمانی که بازرگان سخن از تجددخواهی مذهبی می کند، زمانی نیست که اسلام گرایی و اسلام سیاسی ظهور پیدا کرده باشد بلکه بازرگان در ادامه همان جریان تجددخواه مذهبی که از مشروطیت شکل گرفته بود و بزرگانی مثل آخوندخراسانی و نائینی نماینده گانش بودند،

تجددخواهی مذهبی را مطرح می کند ولی وقتی که در دهه ۴۰ و ۵۰ اسلام سیاسی به عنوان یک برداشتی از اسلام که در صدد است تا یک نظریه ای را برای اداره جامعه و اداره قدرت از درون اسلام، استنباط کند، مرحوم بازرگان در همین شرایط هم از آن اصالت دینی خودش دست بر نمی دارد و سعی می کند تا یک برداشتی از اسلام را برای اداره جامعه مطرح کند که این برداشت افراطی نباشد. بنابراین مرحوم بازرگان در دورانی که اسلام سیاسی مطرح می شود، یک جریان میانه را نمایندگی می کند.»

به اعتقاد میرموسوی بازرگان نه یک جریان چپ را که از آموزه های چپ و آموزه های اسلامی تلفیق و هم نهادی درست می کرد می پذیرفت و نه جریانی که یک تصویر بسیار متصلب از اسلام ارائه می داد و بر اساس آن تصویر متصلب، اقتدارگرایی و محدودیت آزادی فردی را مطرح می کرد، می پذیرفت.

او در ادامه این نگاه را وجه بارز شخصیت فکری مهندس بازرگان عنوان کرد که از او یک شخصیت معتدل و یک جریان میانه که در صدد است بین دستاوردهای تمدن جدید که به هیچ وجه نمی شود آن را نادیده گرفت و بین آموزه های اصیل دین و تعالیم اصیل دین، پیوند برقرار کند، متصور می سازد.

میرموسوی در بخش دیگر سخنان خود به چند ویژگی مرحوم بازرگان اشاره کرد که او را از سایر نواندیشان مذهبی متمایز می کند: «نخستین ویژگی رویکرد مرحوم بازرگان این بود که چون یک دانش آموخته اروپا بود و تجدد را از نزدیک لمس و تجربه کرده بود، بسیار تلاش می کرد تا فهم خودش را از دین در چارچوب دستاوردهای علم جدید تقویت و مطرح کند. ویژگی دوم رویکرد مرحوم بازرگان این است که این فهم را بر اساس متن اصیل دین که قرآن است، ارائه می کند. بازگشت به قرآن و تکیه بر تعالیم قرآن و اینکه قرآن متن اصیل دین است و سنت در تالی قرآن باید درک شود. سومین ویژگی در مورد رویکرد مهندس بازرگان، کوشش او بر اینکه برداشت اش از دین خیلی ایدئولوژیک نباشد.»

این استاد دانشگاه گفت که برداشت ایدئولوژیک، برداشتی است که قابل نقد و چون و چرا کردن نیست. یک برداشت متصلب است. برداشت ایدئولوژیک برای دستیابی به قدرت طراحی می شود.

میرموسوی با بیان اینکه مرحوم بازرگان سعی می کرد از چپ فاصله بگیرد، گفت که در دوران حاضر در پرتو انقلاب کمونیستی در روسیه، بسیاری از مفاهیم چپ به اندیشه و ذهنیت ما راه پیدا کرد. مفهوم انقلاب، استعمار، امپریالیسم و طبقه کارگر مفاهیمی بودند که در پرتوی اندیشه چپ به ذهنیت ما راه پیدا کرد. مرحوم مهندس بازرگان با این مفاهیم در اندیشه خودش مرزبندی داشت و نمی خواست از این نوع دیدگاه ها استفاده کند. به همین دلیل دیدگاه هایش با مرحوم دکتر شریعتی متفاوت است.

او در ادامه با تأکید بر این مطلب که مهندس بازرگان با نیروهای محافظه کار هم نسبتی نداشت، از بازرگان به عنوان یک نمونه جدی اصلاح طلب یاد کرد و گفت که اگر ما بخواهیم امروز برای اصلاح طلبی در جامعه خودمان یک نمونه بیاوریم، با توجه به عناصر فکری و اصولی که در رویکرد بازرگان بوده است، آن یک نمونه مهندس بازرگان است، نه تنها به لحاظ کاری بلکه به لحاظ عملی. نه تنها از این جهت که در صدد بود برداشتی از دین ارائه کند که با مفاهیم جدید سازگار باشد بلکه از این جهت که اعتقادی به راهکارهای تند نداشت، مرحوم بازرگان معتقد بود حتی الامکان باید تلاش کرد تا از یک راه ساده و راهی که پیامدهای زیانبار کمتری دارد، دگرگونی را در جامعه محقق کنیم.

میرموسوی در ادامه به ویژگی دیگری که می تواند مهندس بازرگان را به عنوان مدلی برای اصلاح طلبی مطرح کند، اشاره کرد و آن اعتقاد به دموکراتیزه کردن قدرت بود. او با طرح این پرسش که چرا اینقدر بحث می کنیم که اصلاح طلبی چیست؟ گفت: «اصلاحات یک ایده محوری دارد و آن ایده محوری که اصلاحات را از بقیه موضوعات متمایز می کند این است که ساختار قدرت باید دموکراتیزه باشد. باید نهادهای قدرت مسئول باشند. باید قدرت مطلقه نباشد. قدرت مفسدی دارد که زیان هایش غیر قابل جبران است. از انقلاب مشروطه سخن ما این بود که قدرت باید محدود باشد، مقید باشد، یک شاه خودکامه نباید باشد.»

او سپس آزادی خواهی دینی را مهم ترین و کلیدی ترین مفهوم در نظام فکری مهندس بازرگان مطرح کرد: «در مورد الگوی حکومتی مهندس بازرگان، بحث ارتباط و پیوند دین و سیاست مطرح است. موضوعی که به مناقشه تبدیل شده است.

به این ترتیب او با بیان اینکه مهندس بازرگان در مورد اینکه دین اسلام، دینی است که آموزه هایی در مورد زندگی سیاسی دارد از ابتدا تا انتها ثابت قدم بود، گفت: «برخی معتقدند مرحوم بازرگان دیدگاه هایش را در مورد رابطه دین و سیاست تغییر داده است، نه او همان زمان که کتاب «مرز دین و سیاست» را نوشت و هم در این زمان که سخنرانی با عنوان «آخرت و خدا، هدف بعثت انبیاء» را ایراد کرد در هر دو جا معتقد بود که اسلام برخلاف مسیحیت آموزه هایی دارد که مربوط به زندگی سیاسی است و در رأس آن آموزه ها این است که زندگی سیاسی و سامان سیاسی باید سامان عادلانه باشد. بازرگان معتقد بود که حکومت دینی، حکومتی است که در آن ارزش های دینی محقق می شود. حکومت دینی حکومتی نیست که ظواهر شرعی با اجبار اجرا شود بلکه حکومت دینی حکومتی است که کلیدی ترین ارزش دین که ایمان آزادانه است، حفظ شود. در سخنرانی «آخرت و خدا، هدف بعثت انبیاء» سیاست بخش اصلی در دین نیست، بخش اصلی در دین «خدا و آخرت» است. بازرگان می گوید اصل را فراموش نکنید. بنابراین مرحوم بازرگان با خدا و آخرت شروع کرد و با خدا و آخرت پایان داد.»

روابط عمومی

نهضت آزادی ایران